

بررسی جزای نقدی در قوانین کیفری کنونی

مؤلف
ژیلا محمودی

ویراستار
شبنم رستمی

انتشارات قانون یار
۱۳۹۷

فهرست مطالب

پیشگفتار

بخش اول

کلیات

فصل اول: تعریف، ماهیت و خصائص جزای

نقدی

گفتار اول: تعریف جزای نقدی

گفتار دوم: ماهیت جزای نقدی

گفتار سوم: خصائص جزای نقدی

فصل دوم: مزایا، معایب و شیوه های

اصلاحی رفع معایب جزای نقدی

گفتار اول: مزایای جزای نقدی

گفتار دوم: معایب جزای نقدی
گفتار سوم: شیوه های اصلاحی رفع معایب
جزای نقدی

الف- کاربرد از جزای نقدی

ب- رژیم روزهای جزای نقدی

فصل سوم: اقسام جزای نقدی

گفتار اول: جزای نقدی ثابت و نسبی

الف- جزای نقدی ثابت

ب- جزای نقدی نسبی

گفتار دوم: جزای نقدی اصلی و تکمیلی

(تتمیمی)

تکلمه- تبدیل مجازات تتمیمی به جزای

نقدی

فصل چهارم: اهداف و اصول حاکم بر

جزای نقدی

گفتار اول: هدف کیفری

گفتار دوم: هدف مالی

گفتار سوم: هدف مقنن از تعیین جزای

نقدی

گفتار چهارم: اصل قانونی بودن

گفتار پنجم: اصل شخصی بودن

الف- عدم پذیرش پرداخت از سوی شخص

ثالث

ب- عدم پرداخت به صورت تضامن

ج- عدم انتقال به ورثه

د- مجازات اشخاص حقوقی

گفتار ششم: اصل فردی کردن و نقش

قاضی

فصل پنجم: مفاهیم مشابه جزای نقدی
گفتار اول: معیار تشخیص جزای نقدی از
مفاهیم مشابه

گفتار دوم: تفکیک بین جزای نقدی و
خسارت ناشی از جرم
گفتار سوم: تمیز بین جزای نقدی و دیه
گفتار چهارم: تمیز بین جزای نقدی و
جریمه مالیاتی

گفتار پنجم: تمیز جزای نقدی از جریمه
مدنی

گفتار ششم: تمیز جزای نقدی از جریمه
انتظامی

بخش دوم

عوامل موثر در تعیین جزای نقدی

فصل اول: تشدید جزای نقدی

گفتار اول: تعدد جرم و جزای نقدی

الف: تعدد جرم بر اساس قانون مجازات

عمومی ۱۳۰۴

ب: تعدد جرم بر اساس ماده ۲ الحاقی

مصوب ۱۳۱۱

ج: تعدد جرم بر اساس قانون مجازات

عمومی ۱۳۵۲

د: تعدد جرم بر اساس قانون مجازات

اسلامی ۱۳۷۰

گفتار دوم: تکرار جرم و جزای نقدی

الف: تکرار جرم به موجب قانون عمومی

۱۳۰۴

ب: تکرار جرم به موجب قانون مجازات

عمومی ۱۳۵۲

ج: تکرار جرم به موجب قوانین مجازات
اسلامی

فصل دوم: احتساب بازداشت قبلی و
تخفیف جزای نقدی

گفتار اول: احتساب بازداشت قبلی

الف- احتساب در زمام حکومت قوانین
مجازات عمومی

ب- احتساب در زمان حکومت قوانین
مجازات اسلامی

گفتار دوم: تخفیف جزای نقدی

الف- تخفیف در قانون مجازات عمومی
۱۳۰۴

ب- تخفیف در قانون مجازات عمومی
۱۳۵۲

ج- تخفیف به موجب قانون راجع به

مجازات اسلامی

د- تخفیف به موجب قانون مجازات

اسلامی

فصل سوم: تعلیق جزای نقدی

گفتار اول: عقاید متعارض در تعلیق جزای

نقدی

گفتار دوم: سابقه تعلیق جزای نقدی و

موقعیت کنونی آن

الف- در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

ب- به موجب قانون تعلیق اجرای مجازات

۱۳۴۶

ج- تعلیق جزای نقدی در قانون راجع به

مجازات اسلامی

د- موقعیت کنونی تعلیق جزای نقدی

فصل چهارم: تبدیل حبس به جزای نقدی

گفتار اول: مفهوم و سابقه این تبدیل

الف: قبل از قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲

ب: بعد از قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲

گفتار دوم: موقعیت تبدیل در زمان

حاکمیت قوانین مجازات اسلامی

الف- تبدیل اجباری

ب- تبدیل اختیاری

بخش سوم

اجرای جزای نقدی و عوامل موثر در آن

فصل اول: اجرای جزای نقدی

گفتار اول: فوریت اجرای حکم جزای نقدی

و موارد تأخیر آن

الف- فوریت اجرای حکم جزای نقدی

- ب- موارد تأخیر اجرای حکم جزای نقدی
- ۱- اعطای مهلت پرداخت از سوی قانونگذار به محکوم علیه
 - ۲- فرار محکوم علیه
 - ۳- تقسیط جزای نقدی
 - ۴- اجتماع جزای نقدی با حبس
- گفتار دوم: مقامات صلاحیتدار اجرای جزای نقدی
- گفتار سوم: تقدم حق محکوم له بر وصول جزای نقدی
- گفتار چهارم: نحوه وصول جزای نقدی
- الف- طریقه وصول از دیدگاه مدتی
 - ب- وصول به صورت تضامنی
 - ج- پرداخت از طرف شخص ثالث
 - د- تقسیط جزای نقدی

۱- جواز و عدم جواز تقسیط جزای نقدی

۲- مرجع اعطای تقسیط

۳- شرایط تقسیط

۴- عدول از تقسیط

گفتار پنجم: بازداشت بدل از جزای نقدی

و شیوه های معافیت از آن

الف- بازداشت بدل از جزای نقدی

ماهیت بازداشت

مدت بازداشت

تجزیه پذیری و عدول از بازداشت به جزای

نقدی

ب- شیوه های معافیت

فصل دوم: عوامل مؤثر در اجرای نقدی

گفتار اول: گذشت متضرر از جرم

الف- در جرائم قابل گذشت
ب-در جرائم غیر قابل گذشت
گفتار دوم: جنون محکوم علیه
گفتار سوم: فوت محکوم علیه

فهرست منابع

الف- منابع فارسی

پیشگفتار

انسان محتاج به جامعه، جامعه نیازمند قانون و استقرار قانون منوط به وجود ضمانت اجراهاست. ابتداء مجازاتهای بدنی ضمانت اجرای نقض بسیاری از مقررات بود. بتدریج افکار تازه با احتیاجات نوین وضع کیفرها را تغییر داد به نحوی که از خشونت‌های قبلی تا حدی کاسته شد. متعاقب آن فکر ایجاد مجازاتهایی اثربخش با توجه به نوع جرم ارتكابی و سایر عوامل دیگر مورد توجه قرار گرفت و کیفرها تنوعی چشمگیر یافتند. با این تنوع، تفکرات اصلاحی، دیگر

گزینش بی ضابطه کیفرها را برای هر جرمی نمی پذیرد. از این میان امروزه جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرای بسیاری از جرائم و حتی در نقش مجازات جانشینی میدان عمل وسیع و اهمیت شایانی یافته است؛ زیرا از یک سو نهایتاً با اجرای آن دولت منتفع می شود و از سوی دیگر به عنوان ضمانت اجرای برهم زدن نظم عمومی ابزاری است در دست مقنن که نقش کیفری خود را در میان دیگر مجازاتها ایفاء می کند. چنین طبع دوگانه ای که خاص جزای نقدی است، مباحث زیادی را در بین حقوقدانان برانگیخته، بطوری که حتی در ماهیت آن

تشکیک شده است. همین امر باعث گردیده که
بسان سایر مجازاتها بی اختلاف و مناقشه اعمال و
اجراء نگردد. از اینرو گاه اهداف و اصول مسلم
حقوق کیفری نیز در ارتباط با اعمال و اجرای
این کیفر نادیده گرفته شده است. حتی با آن به
چهره ای متفاوت از سایر مجازاتها در برخورد با
نهادهای حقوقی حقوق کیفری از قبیل تعدد،
تکرار، تخفیف و تعلیق . . . نگریسته شده است.
سرانجام اجرای آن طریق عادی و روند طبیعی را
طی نکرده بطوری که بازداشت بدل از جزای
نقدی در صورت عدم پرداخت جانشین آن شده

و توسل به مفاهیم حقوق مدنی در اجرای این مجازات نقش بارزی پیدا کرده است. چندی است قانونگذار ما گرایش ویژه ای به گزینش جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرای بسیاری از جرائم داشته است.

بخش اول کلیات

فصل اول: تعریف، ماهیت و خصائص جزای نقدی

ارائه یک تعریف جامع و مانع از جزای نقدی لازم و ضروری است. لیکن از آنجائی که ذکر تعریفی که تمام خصائص و ویژگیهای آنرا در برداشته باشد، ممکن نیست؛ لذا بررسی ماهیت و خصائص جزای نقدی جهت درک بهتر این کیفر نیز مفید به نظر می رسد.

گفتار اول: تعریف جزای نقدی

«نقد» در لغت به معنی: «آنچه در حال داده می شود، خلاف نسیه، مال حاضر، وجه حاضر»^۱ و یا «آن چیزی است که به وجه نقد و رایج پرداخت شود»^۲. همچنین بعضی آنرا به معنی: «پول یا بهاء آنچه فی الحال داده می شود»^۳، بکار برده اند.

از نظر اصطلاحی قانون ما جزای نقدی را تعریف نکرده و سابقه ای از آن در قوانین دیده

^۱ - علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، دوره چهل و دو جلدی، جلد ۲۹،

انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۴۸

^۲ - محمد معین، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، جلد چهارم،

انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۵

^۳ - حسن عمید، فرهنگ فارسی، دوره دو جلدی، جلد دوم، انتشارات

امیرکبیر، ۱۳۶۷

نمی شود. برخی از حقوقدانان تعریفی از این اصطلاح ارائه نموده اند که در ذیل به چند نمونه اشاره می شود:

مرحوم دکتر عبدالحسین علی آبادی در تعریف آن می گوید: «الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد».^۱

دکتر ملک اسمعیلی آنرا اینگونه تعریف می کند: « عبارتست از محکومیت مجرم به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات به خزانه دولت».^۱

^۱ - عبدالحسین علی آبادی، حقوق جنائی، جلد دوم، انتشارات فردوسی،

دکتر آخوندی تعریف جزای نقدی را چنین ذکر می کند: « اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد ». ^۱ دکتر سمیعی در تعریف آن می نویسند: « جزای نقدی عبارت از محکومیت مجرم است به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات ». ^۲

دکتر تقی خانی در تعریف جزای نقدی می گوید: « عبارت است از پول رایجی که مجرم به

^۱ - عزیزا. . . ملک اسمعیلی، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه تهران ۲۵۳۵، ص ۱۶۴.

^۲ - محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، دوره سه جلدی، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۹، ص ۱۲۴

^۳ - ح. سمیعی - حقوق جزا، چاپخانه شرکت مطبوعات، تهران ۱۳۳۳، ص ۱۴۹

عنوان مجازات مکلف به پرداخت آن می باشد
۱. «

اینک به نقد و بررسی تعاریف ارائه شده می
پردازیم.

تعریفی را که مرحوم دکتر علی آبادی ارائه
نموده اند، مبنی بر «الزام محکوم به پرداخت
مبلغی وجه نقد»، مانع نمی باشد. زیرا علاوه بر

^۱ - بهروز تقی خانی، مجازات غرامت در حقوق ایران، رساله دکتری،
دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۱، ص ۱۷

جزای نقدی، جریمه مدنی و خسارت ناشی از جرم... را هم شامل می شود.^۱

تعریف جزای نقدی به « اجبار متهم به پرداخت مبلغی وجه نقد » از سوی دکترا آخوندی، نه تنها عیب تعریف را داراست، اساساً از این نظر که واژه « متهم » در حقوق جزا به کسی گفته می شود که انتساب جرم به او محرز نیست و نقطه

^۱ - ما در فصل پنجم همین بخش آنها را مورد بررسی قرار می دهیم. توضیح مختصر اینکه در خسارت ناشی از جرم و جریمه مدنی، محکوم ملزم به پرداخت مبلغی وجه نقد است.

مقابل مجرم بکار می رود، عیوب تعریف را دو چندان می کند.^۱

همچنین واژه «محکومیت» در تعاریف ارائه شده از سوی دکتر ملک اسمعیلی و مرحوم سمیعی، که آنرا (جزای نقدی) محکومیت مجرم به تأدیه مبلغی به عنوان مجازات می دانند، بدرستی مبین جزای نقدی نیست، بلکه جزای نقدی، اثر ناشی از محکومیت است و نوعی مجازات می باشد که فارغ از محکومیت باید

^۱ - مجازاتها صرفاً درباره مجرم اجرایی شود. ماده یک قانون مجازات اسلامی: « قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرائم و مجازات و اقدامات تأمینی که درباره مجرم اعمال می شود».

تعریف شود. به تعبیر دیگر، محکومیت وصف محکوم علیه به حکم مرجع صلاحیت دار است.^۱

اگر چه تعریف جزای نقدی ارائه شده توسط دکتر تقی خانی، تعریفی روشن و بی عیب می باشد و عیوب تعریفهای قبلی را ندارد؛ لیکن بر اثر حاکمیت قوانین مجازات اسلامی و تقسیم بندی جرایم و مجازاتها حسب قانون به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده،^۲ با «دیه» که گروهی آنرا مجازات می

^۱ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم،

انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۲، ص ۶۲۷

^۲ - ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰

دانند، ممکن است مشتبه شود. اگر چه امور شش گانه ای را که قانون به عنوان دیه در نظر گرفته، وجه نقد نمی باشد؛^۱ اما از این نظر که در غالب موارد آنرا تبدیل به مبلغی پول رایج می کنند^۲ و در واقع آنچه پرداخته می شود وجه نقد است، تعریف مذکور ممکن است « دیه » را شامل شود. لذا برای پرهیز از این اشتباه، از آنجایی که « دیه » به مجنی علیه یا اولیا دم پرداخت می گردد و

^۱ - ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰

^۲ - تبصره ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰: « قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تغذّر همه آنها، پرداخت می شود ».

جزای نقدی به دولت، عبارت « پرداخت به خزانه دولت » در تعریف ضروری بنظر می رسد. بدین ترتیب، برای اینکه بتوان تعریفی ارائه داد که تا حدودی نقایص تعاریف مذکور را نداشته باشد، می گوئیم: « جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم به یادآوری نکاتی را لازم و ضروری می دانیم:

نکته اول: با توجه به تعریف اصطلاحی جزای نقدی، ملاحظه می کنیم که تعریف اصطلاحی تا حدودی از معنی لغوی «خلاف نسیه» دور افتاده است. بدین صورت که «نقدی» در مقابل «نسیه» مد نظر نیست، بلکه از آنجایی که جزای

نقدی یکی از مجازاتهای مالی است، منظور ادای مبلغ رایجی است که حسب آن مرتکب عمل مجرمانه (فعل یا ترک فعل) ملزم است آنرا به خزانه دولت واریز نماید. اگر گفته شد، لفظ «نقدی» در مقابل نسیه مد نظر نیست، لزوماً این معنی از آن مستفاد نمی شود که پس از لازم الاجراء شدن حکم، جزای نقدی فوراً قابل پرداخت نباشد؛ چه جنبه مثبت احکام کیفری به

دنبال خود اجرای فوری را در بردارد،^۱ مگر در مواردی که قانون، تأخیر اجرای آنرا لازم بداند.^۲

نکته دوم: قانونگذار همیشه وجه رایج را مورد حکم قرار نمی دهد، بلکه در موارد معدودی طلا را مورد حکم قرار می دهد. این موضوع شاید به جهت ارزش اعتباری پول و ارزش ذاتی طلا باشد. به عنوان مثال: در قسمتی از ماده ۹ « قانون واحده اسلامی در مورد تحریم اسرائیل » مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۷۱ می خوانیم: « ... و چنانچه نسبت به تغییر مکان، پنهان کردن یا

^۱ - ماده ۴۸۲ قانون آئین دادرسی کیفری

^۲ - ماده ۴۸۴ قانون آئین دادرسی کیفری

از بین بردن رأی صادره اقدام گردد، شخص
خاطی حداکثر به سه ماه زندان با پرداخت ۱۰۰
سکه بهار آزادی یا معادل آن و یا هر دو مورد
محکوم می گردد».

همچنین قسمت نخست ماده ۱۹۰ قانون دریائی
ایران مصوب آبان ۱۳۴۳ مقرر می دارد: « در
صورت تخلف از مواد . . . ، دادگاه بر حسب
مورد متخلف را به پرداخت جزای نقدی از یک
تا دو هزار و پانصد پهلوی طلا محکوم خواهد
کرد . . . ».

چنانکه ماده اخیر الذکر اشعار می دارد، مقدار
طلای مورد حکم، صریحاً به عنوان جزای نقدی،
تعیین شده است.

نکته سوم: کلمات: جریمه نقدی، غرامت
جزائی، محکومیت نقدی، غرامت، مجازات
نقدی، کیفر نقدی، جریمه، غرامت نقدی و
جریمه کیفری، همگی معادل « جزای نقدی » می
باشند.

در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در بیشتر موارد
لفظ «غرامت» و در بعضی موارد عبارات «جریمه
نقدی» و اندکی هم عبارت « جزای نقدی»

استعمال می شد. سایر عبارات مذکور نیز به مناسبتی در قوانین بکار گرفته شده است. تا اینکه به موجب ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ مقرر گردیده: «جزای نقدی مذکور در این قانون، جانشین غرامتی و مجازات نقدی و جریمه نقدی و سایر اصطلاحات و عباراتی می شود که در قوانین جزائی به این منظور بکار برده شده است. جزای نقدی ممکن است ثابت یا نسبی باشد».

نکته قابل ذکر اینکه از قبیل «ماده ۱۳ که اصطلاح (جزای نقدی) را جانشین اصطلاحات

منعکسه در متون قانونی از قبیل (گرامت) و (مجازات نقدی) و (جریمه) و (جریمه نقدی) می کند، فقط اشاره به (قوانین جزائی) کرده است، در حالی که این اصطلاحات و عبارات در قوانین حقوقی منجمله قانون آئین دادرسی مدنی هم بکار رفته و بنابراین صحیح این بود که عبارت ماده بدین نحو اصلاح شود: (و سایر اصطلاحات و عباراتی که در متون قانونی بدین منظور بکار برده شده است، می شود)». ^۱ به عنوان نمونه در

^۱ - علی آزمایش، «بررسی انتقادی قانون مجازات عمومی ایران مصوب تیرماه ۱۳۵۲، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره

ماده ۴۰۵ قانون آئین دادرسی مدنی آمده است: « هرگاه نسبت به سندی دعوی جعل شود یا شخص سند منتسب بخود را انکار کند و صحت سند محرز نگردد، دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوی، انکار کننده و یا مدعی جعل را به تأدیه جریمه ای معادل یکدهم اصل محکوم به مربوط به سند مورد ادعای جعل یا انکار، محکوم می کند و در صورتی که سند راجع به وجه نقد نباشد، میزان جریمه از یک هزار ریال تا یکصد هزار ریال به تناسب دعوی و بنظر دادگاه خواهد

بود . . . » در ماده مذکور منظور از لفظ «جریمه» همان جزای نقدی است.

قانونگذار ما بعد از تصویب ماده ۱۳ (قانون مجازات عمومی سال ۵۲) به توصیه خود عمل نکرده است و همچنان اصطلاحات غیر از جزای نقدی را برای بیان این منظور (جزای نقدی) به مثابه گذشته استعمال نموده است. به عنوان مثال می توان به مواد ۲، ۵، ۸، ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و ماد ۲ و ۳ از قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباسهائی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است اشاره کرد که اصطلاح (جریمه

نقدی) را بکار برده اند و یا در ماده ۳۹ و ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، لفظ «غرامت» که منظور همان جزای نقدی است، بکار گرفته شده است.

علاوه بر آنچه اشاره شد، برخی از نویسندگان کتب حقوق جزا نیز در تقسیم بندی جزای نقدی به ثابت و نسبی، عنوان قانونی را رعایت نکرده اند^۱ و آنها به «جریمه ثابت» و «جریمه نسبی»

^۱ - در همین بخش نسبت به این تقسیم بندی بطوز مفصل بحث خواهیم کرد.

تقسیم کرده اند.^۱ و فراتر از آن، دکتر محمد صالح ولیدی علاوه بر اینکه نوعی از مجازاتهای مالی را جزای نقدی ثابت و جزای نقدی نسبی بیان می‌دارند، نوع دیگری از مجازاتهای مالی را جریمه ثابت و جریمه نسبی می‌دانند و آورده‌اند که: «جریمه‌های قانونی به دو شکل در مقررات کیفری بعد از انقلاب، قابل مطالبه می‌باشد:

الف) جریمه ثابت ... ب) جریمه نسبی».^۲

^۱ - هوشنگ شامبیاتی، حقوق جزای عمومی، دوره دو جلدی، جلد دوم، چاپ چهارم، انتشارات ویستار، تهران ۷۳، ص ۳۶۹

^۲ - محمد صالح ولیدی، حقوق جزای عمومی، دوره چهار جلدی، جلد چهارم، انتشارات داد، تهران ۱۳۷۴، ص ۷۳

البته باید خاطر نشان کرد که ثمره و نتیجه ای از این تفکیک حاصل نمی شود و جریمه ثابت و نسبی نوع دیگری از مجازاتهای مالی، علاوه بر جزای نقدی ثابت و نسبی نیستند و می توان گفت: قانونگذار بعد از انقلاب، همانند قبل از آن در استعمال الفاظ دقت نکرده است.

نکته چهارم: دکتر تقی خانی می نویسد:
«گرامت . . . با کلماتی از قبیل، جریمه نقدی، جزای نقدی، مجازات نقدی، محکومیت نقدی و کیفر نقدی، مترادف است».^۱ این مطلب هر چند

^۱ - بهروز تقی خانی، همان کتاب، ص ۶

در زمان خود ممکن بود درست باشد؛ اما از نقطه نظر اصولی شرایط «ترادف» محقق نیست و نمی توان نسبت میان آنها را ترادف دانست، چه، الفاظ هنگامی نسبت به هم مترادفند که بوسیله یک واضع الفاظی چند، برای یک معنی وضع شوند^۱ و در مسأله فوق نه تنها، غرامت معانی مختلفی دارد، بلکه وحدت واضع نیز موجود نیست؛ زیرا قانگذار قبل از انقلاب و قانونگذار اخیر، واضع واحدی به حساب نمی آیند. بنابراین

^۱ - محمود شهابی، تقریرات اصول، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۵، ص ۳۷
ترادف امری محال و ممنوع نمی باشد، بلکه وقوع آن خالی از تأمل نیست بلکه قابل تردید و تشکیک است. (محمود شهابی، دو رساله، وضع الفاظ و قاعده لاضرر، چاپ دوم، ص ۱۳۳)

الفاظ فوق معادل هم محسوب می شوند بگونه ای که می توان گفت جزای نقدی جانشین اصطلاحات منعکسه، بدین منظور در قوانین گردیده است.

گفتار دوم: ماهیت جزای نقدی

در تعریف جزای نقدی که مجرم ملزم است مبلغ مندرج در حکم را به خزانه دولت بپردازد، الزم به پرداخت مبلغی وجه به صندوق دولت، ممکن است این توهم را بوجود آورد که محکوم علیه همانند یک مدیون، باید به هر نحوی از انحاء نسبت به پرداخت مبلغ مندرج در حکم به

صندوق دولت اقدام نماید و چنین امری از دید محکوم، به صورت پرداخت یک دین جلوه می کند؛ بطوری که احساس محکوم نسبت به پرداخت جزای نقدی بی شباهت با احساس دینی را که در مقابل یک طلبکار دارد، نیست. لذا از آنجائی که نتیجه پرداخت منتفع شدن دولت و کسر میزانی از اموال محکوم علیه است، جزای نقدی طلب دولت از محکوم علیه محسوب می شود لیکن باید گفت درست است که در شکل ظاهر، مقداری وجه نقد پرداخت می شود و همانند پرداخت دین در حقوق مدنی، با پرداخت آن ذمه وی بری شده و مجازات اجراء شده

محسوب می شود؛ اما این صورت قضیه است و با کمی دقت و تجزیه و تحلیل جزای نقدی چهره کیفری این مجازات آشکار می شود، بطوری که هیچ گونه تردیدی در مجازات بودن آن باقی نمی گذارد.

در جزای نقدی، قاضی محکوم علیه را ملزم به پرداخت مبلغی می نماید که این مبلغ از آنرو یک طلب نیست که حکم دادرس جنبه انشائی دارد نه اعلامی و کاشف از مدیون بودن محکوم علیه نمی باشد. غرض اصلی از الزام وی به پرداخت، تعقیب اهداف ضمانت اجراهای

کیفری است و وصول نمی شود مگر از کسی که حسب قوانین موضوعه مجرم تشخیص داده شود. در هنگام صدور حکم، قاضی نظرش معطوف به مجرم است، شخصیت و اوضاع و احوال و شرایط ارتکاب جرم، مسئولیت و درجه تقصیر مورد ارزیابی قرار می گیرد.

قانونگذار نظر به مصالحی، گزینش کیفر می نماید، برای دسته ای از جرائم مجازات سالب آزادی برمی گزیند و در موارد دیگر، ضمانت اجراهای مالی را مدنظر قرار می دهد و از این رهگذر می خواهد ضمانت اجراء متناسب با قواعد مربوط به نظم عمومی را تعیین و مشخص

نماید. بر این اساس چگونه می توان جزای نقدی را طلب دولت از محکوم علیه به حساب آورد. «بدیهی است، غرامت یک مجازات واجد صفت مالی است و در فایده آن برای خزانه دولت- پس از آنکه مورد حکم قرار گرفت- تردیدی نیست. ولی آنچه که مورد توجه می باشد، عدم سببیت فایده مالی در تشریح آن است. غرامت نیز با توجه به مفهوم جدید مجازات، به منظور حفاظت جامعه و اصلاح مجرم مورد توجه قانونگذار قرار گرفته، و اگر استثنائاً واجد صفت مالی نیز هست، دلیل بر تغییر عنوان و زوال

ماهیت آن نیست. بنابراین نباید طلب دولت از محکوم علیه تلقی شود.^۱ وانگهی، قانونگذار ما در مجازات محسوب نمودن جزای نقدی هیچگونه تردیدی از خود نشان نمی دهد. در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۷، جزای نقدی، مجازات جنحه مهم و جنحه کوچک به شمار می آمد.^۲ همچنین در قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، جزای نقدی یکی از اقسام مجازات جنحه و صرفاً مجازات اسلامی خلافی محسوب می شود.^۳ در

^۱ - بهروز تقی خانی، همان کتاب، ص ۱۹

^۲ - بند ۴ ماده ۹ و بند ۲ ماده ۱۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴

^۳ - ماده ۹ و ماده ۱۰ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲

قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی نیز جزای نقدی از انواع مجازاتهای تعزیری و بازدارنده است.^۱ لذا در مجازات بودن جزای نقدی نباید تردید کرد. جنبه های اصلاحی، تنبیهی و ارعابی این کیفر از طریق اجبار و فشار مالی به محکوم علیه و در نهایت وصول آن تأمین می شود.

گفتار سوم: خصائص جزای نقدی

^۱ - ماده ۱۱ قانون راجع به مجازات اسلامی و ماده ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات

گفتیم وصف ضمانت اجرائی جزای نقدی که برای نقض امر یا نهی مقنن در نظر گرفته شده است، ماهیت کیفری آنرا آشکار می سازد.

هر کیفر ویژگی و خصایص خود را داراست، بطوری که از مجازاتی به مجازات دیگر این ویژگی متفاوت است. قانونگذار نظر به سیاست کیفری که در نظر دارد، با توجه به ویژگی هر کیفر برای عمل ارتكابی (فعل یا ترك فعل) دست به گزینش و انتخاب ضمانت اجرای کیفری مناسب می زند. گر چه خصایص ذاتی ضمانت اجراها از جامعه ای به جامعه دیگر و نظر به دیدگاههای گوناگون از شدت و ضعف

برخوردار است؛ اما در کلف غریزه و طبیعت
بشری آن را دارای ویژگی می داند، خصایص و
ویژگی که در سایر مجازاتهاست، کم و بیش در
جزای نقدی نیز وجود دارد. این خصایص بدین
گونه اند:

**یکم- ایجاد رعب و هراس در
مجرم: کیفر در وجود بزهکاران اجتماعی و
مجرمان فعلی رعب و هراس ایجاد می کند. »**
عامل ترس یا قدرت ترساننده مجازات بدین دلیل
توانسته است قرن‌ها دوام پیدا کند که اصولاً بشر
نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود

علاقمند است و تخطی نسبت به این ارزشهای پذیرفته شده را نگران کننده و غیر قابل گذشت می داند؛ لذا بشر در اعمال مجازات از همین احساس عمیق و علاقه انسانی نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود برای ترساندن الهام گرفته و مجازات راه چاره اعمالی دانسته که تجاوز به ارزشهای انسانی را مشخص می کنند.^۱

هر چند تهدید شدید و علیه نفس و آزادی نیست، اما سلب آرامش و آسایش خیال بواسطه کیفر جزای نقدی که متوجه اموال می شود و

^۱ - رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای

نتیجه آن از دست دادن مال است، مرعوب کننده می باشد. علی الخصوص اینکه مجرمین، بر خلاف زندان، به جزای نقدی عادت نمی کنند و تهدید مالی هر زمان ناخوشایند است. اگر چه شدت ارباب و هراس آن نسبت به فقرا و ثروتمندان برابر نیست، اما در وجود بازدارندگی فردی و اجتماعی این کیفر از این طریق نمی توان تردید کرد.

دوم- وجود آزار بر مجرم:شکی در آزار دهندگی مجازاتهای نظیر شلاق و زندان وجود ندارد. لیکن آیا مجازات جزای نقدی هم آزار

دهنده است؟ اگر چه در جزای نقدی آزار و رنج آوری همانند مجازاتهای مذکور نیست، ولی از آنجائی که علی رغم میل مجرمان بر آنها تحمیل و دریافت می شود، آزار دهنده است.

هر چند ابعاد این آزار و آسیب های مالی در محدوده قدرت مالی هر شخص متجلی می شود و رنج و الم آن بستگی به تفاوت های مالی افراد دارد؛ اما به طور کلی در روزگار مادی و ماشینی امروز که پول نقش مهمی در تمام شئون زندگی بازی می کند، منکر ورود آزار از این طریق به مجرمین نمی توان شد. به همین جهت است که گفته می شود جزای نقدی برای جلوگیری از

ارتکاب جرم علیه کسانی بکار برده شود که تشنه جمع آوری اموال دیگران هستند.

سوم- تحقیر مجرم: از نظر حقوقدانان کیفری تحقیر بزهکاران از نظر جلوگیری فردی و عمومی ارتکاب جرم ضروری است. گروه زیادی از افراد از ترس از دادن آرو و حیثیت اجتماعی خود از ارتکاب جرم خودداری می کنند. این ویژگی تمام مجازاتهاست و جزای نقدیهم که مجازات است از این ویژگی خالی نیست. این تحقیر و رسوایی در مجازات حبس که گذشت زمان برای تحمل کیفر آن لازم

است، اثر بیشتری دارد که غالباً دوستان و اطرافیان شخص مجرم از این امر مطلع می شوند. لذا ترس از اطلاع دیگران و رسوائی ناشی از محکومیت، مانع خوبی در جهت جلوگیری از ارتکاب اعمال مجرمانه است. در جزای نقدی این رسوائی به علت پرداخت فوری وجه نقد به صندوق دولت و عدم اطلاع اطرافیان کمرنگ می شود. لیکن نباید در رسوائی آن تردید داشت، زیرا تحقیر بیش از آنکه وابسته به اجرای مجازات باشد از حکم محکومیت نیز هست، علاوه بر آن انتشار جرائم مهم در روزنامه ها همانند: اختلاس و ارتشاء که غالباً جزای نقدی

کیفر آنهاست به نحوی رسوایی و ننگ را برای آنها بهمراه دارد.

فصل دوم: مزایا، معایب و شیوه های اصلاحی رفع معایب جزای نقدی

هنوز فکر بشر موفق به ارائه مجازاتی نشده است که کلیه محاسن در آن جمع و خالی از هر عیب و نقصی باشد. لذا تمام مجازاتها دارای محاسن و معایب هستند؛ اما هر کیفر دارای محاسن و معایب مختص بخود می باشد. جزای نقدی نیز بدینگونه است. نتیجتاً توجه به این محاسن و چاره جوئی رفع معایب آن به عنوان

شیوه های اصلاحی این کیفر جهت وصول به اهداف جزای نقدی بررسی می شود.

گفتار اول: مزایای جزای نقدی

مزایای جزای نقدی باعث می شود که قانونگذار جزای نقدی را به عنوان ضمانت اجرای کیفری پاره ای جرائم مدنظر قرار دهد. عمده ترین مزایای جزای نقدی بدین شرح است:

یکم: از جمله اهداف مجازاتها را ارعاب دانسته اند، به نحوی که با اعمال مجازات مانع و بازدارنده مجرم و دیگران از ارتکاب جرم می گردد. بنتام معتقد بود که رنج تحمل مجازات

باید از تحصیل منافع جرم بیشتر باشد، بطوری که موجب هراس افراد گردد و آنها را از انجام جرم یا تکرار آن باز دارد. این هدف با جزای نقدی به خوبی تأمین می شود زیرا هیچ موقع مجرم به آن خو نمی گیرد و همواره پرداخت مبلغی وجه برای او تازگی دارد. بطوری که هدف اربابی برای مجرم متوقف نمی شود. در حالیکه « وقتی محکوم به محرومیت و اندوهی که از حبس نتیجه می شود، عادت کرده اثر آن کم می شود. ولی جزای نقدی از نظر تعقیب و مجازات چنین

اثری را دارا نیست».^۱ به عبارتی «اثر ترذیلی جریمه (جزای نقدی) مانند سایر مجازاتها در اثر اعتیاد از بین نمی رود و به همین جهت اثر تنبیهی آن مانند سایر مجازاتها به تدریج کم نمی شود».^۲

دوم- قانونگذاران به لزوم تنبیه اخلاقی مجرم پای بندد، بطوری که هنوز در اکثر قوانین دنیا مجازاتها را به درجات مختلف تقسیم می کنند، هر اندازه اهمیت جرم ارتكابی بیشتر باشد، مجازات نیز شدیدتر می گردد. لذا تناسب میان جرم و مجازات لازم و ضروری است. گفته شده

^۱- عزیزا... ملک اسمعیلی، همان کتاب، ص ۲۰۵

^۲- عبدالحسین علی آبادی- حقوق جنائی، جلد دوم، ص ۱۱۳

است که: « جریمه (جزای نقدی) را می توان با شدت و خفت قبح عمل ارتكابی مجرم منطبق کرد و بهر میزان که استحقاق دارد آنرا معین نمود».^۱

گرچه سایر مجازاتها نیز اینگونه است؛ اما در جزای نقدی اعمال این تناسب آسانتر است علی الخصوص در جزای نقدی نسبی که بر حسب واحد یا مبنای خاص قانونی و با توجه به نتیجه عمل ارتكابی مجازات احتساب می گردد.

^۱ - همان، ص ۱۱۳

سوم- برای پیشگیری از جرائمی که انگیزه مجرم در آنها کسب سود و ثروت اندوزی است، جزای نقدی موثر و مانع از تکرار جرم این قبیل افراد که محرک آنها از ارتکاب مجرم، حرص شدید و سودجوئی است، می باشد. به عبارت دیگر « از لحاظ روحی در زمان حاضر جریمه (جزای نقدی) کیفر مناسبی است وقتی تشخیص دادند، شخص محکوم علاقه زیاد به پول دارد می توانند با محکوم کردن به جریمه (جزای نقدی) از ارتکاب مجدد او جلوگیری کنند»^۱.

^۱ - احمد هومن، زندان و زندانیها یا رژیم پنی تانسیر، انتشارات دانشگاه

چهارم- مزیت مهم دیگر جزای نقدی اینست که بر خلاف زندان، فاسد کننده نیست. زیرا زندان در حقیقت یک آموزشگاه فساد است و محیط آن جرم زاست. بزهکاران دور هم جمع می شوند و اطلاعات مربوط به نحوه ارتکاب جرم را به هم یاد داده و نقشه های تخریبی را مبادله می کنند. بدین جهت پس از آزادی از زندان، ماهرتر از گذشته و مجهزتر، دست به ارتکاب جرم می زنند و در مسیر بزهکاری مجدداً غوطه ور می گردند. چون محکومین به جزای نقدی بدان شیوه دور هم جمع نمی شوند،

وقوع تباهی و فساد آنان محقق نمی شود. لذا نسبت به حبس دسته جمعی، مزیت انکار ناپذیری دارد و تأثیر جزای نقدی بر بزهکار سریع، مفید و سازنده است. علاوه بر آن « نسبت به حبس انفرادی نیز برتری دارد، زیرا موجب تحلیا قوای مجرم نمی گردد»^۱.

پنجم - قابل ترمیم و جبران بودن این مجازات مزیت دیگر به آن داده است. صدمات روحی و روانی که بدنبال مجازاتهای حبس، اعدام و . . . که ناشی از اشتباهات قضائی است غیر قابل تدارک و جبران و یا لااقل مشکل است و

^۱ - عبدالحسین علی آبادی - حقوق جنائی، جلد دوم، ص ۱۱۳

چنانچه جبران پذیر باشد، تناسبی با صدمه های مادی و روحی وارد شده به شخص ندارد؛ اما در جزای نقدی چنانچه بر اثر اعاده دادرسی شخص برائت حاصل نماید، با برگرداندن معادل مبلغ واریز شده به صندوق دولت، زیانهای ناشی از اجرای یک حکم ناصحیح، جبران می یابد.

ششم- اجرای جزای نقدی مخارجی به همراه ندارد و جزای نقدی خود ممر درآمدی برای دولت بحساب می آید. لذا از لحاظ اقتصادی اعمال این کیفر به نسبت سایر مجازاتهای علی الخصوص حبس به صرفه است. زندان هزینه های

زیادی برای دولت به همراه دارد، طوری که هزینه آن در مواردی دولت را ناچار می کند با اقداماتی از قبیل عفو، از تعداد زندانیان بکاهد. چنین است که اجرای یک حکم نیروی انسانی فراوان، امکانات مادی و مخارج زیادی را در بردارد. لیکن جزای نقدی نه تنها هزینه ها، مخارج و نیروی انسانی کمتری را می طلبد، بلکه سرچشمه عایدی برای دولت بشمار می آید.

هفتم - جزای نقدی به مانند حبس رسوا کننده و ننگ آور نمی باشد و مجرمی را که بطر. اتفاقی یا بر اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی در جر. ایم غیر عمدی و خطائی مرتکب جرم شده است،

بی حیثیت نمی سازد. لذا ننگ و شرمساری زندان را ندارد. از آنجایی که امروزه عقیده بر آن است که مجازات زندان باید به صورت یک ضمانت اجرای استثنائی محسوب شود و برای آندسته از بزهکارانی که جامعه را به طور بسیار جدی به خطر انداخته اند و به عنوان اقدامی جبرآمیز علیه کسانی بکار برده شود که ضمانت اجراهای کیفری دیگر برای آنها کارساز نبوده،^۱ جزای نقدی برای مرتکبین جرایم کم اهمیت و آنهایی که مرتکب جرایم غیر عمدی شده اند، مفید و

^۱ - ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی

اصلاح گرایانه بنظر می رسد و ننگ ابدی برای آنها به همراه ندارد.

گفتار دوم: معایب جزای نقدی

مهمترین معایب جزای نقدی بدین قرار می باشد:

یکم- وضعیت اقتصادی افراد در پرداخت یا عدم پرداخت جزای نقدی، موثر است، چه میزان جزای نقدی برای ثروتمندان ناچیز و برای فقراء قابل تحمل نمی باشد. بنابراین جزای نقدی در معرض این انتقاد قرار دارد که غیر عادلانه است و گفته می شود با اصل تساوی مجازاتها سازگار

نیست. توضیح اینکه، هنگام اخذ جزای نقدی، توانگران مشکلی در پرداخت ندارند و به سهولت مبلغ مقرر شده را پرداخت می کنند. در حالیکه، بدلیل عدم توانائی، ناتوانان با مشکلاتی روبرو می شوند و اگر بازداشت بدل از جزای نقدی، ضمانت اجرای عدم پرداخت باشد، آنها تا مدت‌ها در حبس به سر می برند. بدین ترتیب بین آزادی با پرداخت وجه نقد، با محبوس شدن به علت عدم پرداخت از سومی مجرمینی که در شرایط مشابه مرتکب جرم مشابه شده اند، تفاوت آشکار است.

دوم- اصل شخصی بودن از اصول حاکم بر مجازاتهاست، بطوری که مجازات باید متوجه شخص مرتکب گردد؛ اما در خصوص جزای نقدی گفته شده است: «جریمه (جزای نقدی) فاقد این خصیصه است. زیرا آثار جریمه به طور اجتناب ناپذیر متوجه خانواده محکوم می شود».^۱ سرایت مجازات به خانواده محکوم ویژه محکومیت به جزای نقدی نیست. اصولاً، اصل شخص بودن مجازاتها بیشتر نظری است تا عملی، زیرا آثار محکومیت به طور قهری به خانواده محکوم سرایت می کند. خواه محکومیت به

^۱- همان، ص ۱۱۳

جزای نقدی باشد یا سایر مجازاتها نظیر حبس. فردی که به حبس محکوم شده است در آن مدت نه فقط توانائی تأمین معاش خانواده خود را نخواهد داشت، بلکه از نظر روحی هم، خانواده و خویشاوندان مجرم رنج می برند.

سو- حتمیت اجرای مجازاتها به اهداف آنها جامه عمل می پوشد، بطوری که غرض از تعقیب، تحقیق و دادرسی در مرحله اجرای مجازات تحقق می یابد. از آنرو، اجرای جزای نقدی، چنین حتمیتی را ندارد که بیان شده: « غالباً

اجرای آن (جزای نقدی) با اعسار حقیقی و یا
تصنعی محکوم مصادف می شود».^۱

فاقد بودن حتمیت اجرای جزای نقدی^۲ موجب
گردیده که مجازات بازداشت بدل از جزای
نقدی در غالب کشورها به عنوان ضمانت اجرای
وصول با جانشین جزای نقدی در نظر گرفته
شود. شیوه ای که مغایر نظر قانونگذاران در
انتخاب جزای نقدی و منافی گریز از معایب و

^۱ - همان، ص ۱۱۳

^۲ - در فرانسه امکان وصول لااقل ۷۵ درصد محکومیت های نقدی
موجود نیست. (مارک آنسل، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری - علی
حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص

مضرات زندان، علی‌الخصوص زندانهای کوتاه مدت می‌باشد.

چهارم- حضور بدنی محکوم علیه، لازمه اجرای مجازاتهای حبس، شلاق، اعدام و... می‌باشد. بطوری که بدون وجود او، اساساً اجرای حکم منتفی است. در حالیکه جزای نقدی اینگونه نیست و بی حضور محکوم علیه و به صرف پرداخت جزای نقدی حکم اجراء شده محسوب می‌گردد و یا به تعبیر دیگر، ممکن است از سوی شخص ثالث پرداخت شود. در این صورت این ایراد بر آن بار می‌شود که مجازات

جزای نقدی معنی و مفهوم خود را واقعاً از دست می دهد.

گفتار سوم: شیوه های اصلاحی رفع معایب جزای نقدی

اشکالات و معایب گفته شده جزای نقدی غیرقابل رفع نیستند. تدابیری در این خصوص اتخاذ شده است تا میزان وسیعی از معایب مذکور بکاهد؛ تبدیل جزای نقدی به کار، تقسیط جزای نقدی، قبول پرداخت از طرف شخص ثالث و . . . را می توان نام برد که مهمتر از همه، دستاورد جنبش دفاع اجتماعی در بوجود آوردن نظام «روزهای جزای نقدی» است.

گفته شد: اجرای جزای نقدی ابتدا در مقابل ایراد غیر عادلانه بودن و تنافی با اصل تساوی مجازاتها قرار دارد؛ چه از یکسو فشار مالی یکسانی بر مرتکبین وارد نمی آید و از سوی دیگر نیز به خاطر عدم پرداخت که وضعیت مالی مرتکبین در این امر دخیلند، باعث می شود ضمانت اجرای جایگزین دیگری (در حقوق ما، بازداشت بدل از جزای نقدی) غیر از جزای نقدی، گریبانگیر مجرمین معسر گردد. اگر چنانچه تناسب جزای نقدی با وضعیت مالی مجرم و توانائی پرداختی برقرار شود، بسیاری

از معایب جزای نقدی از جمله عدم حتمیت
اجراء و پرداخت از سوی شخص ثالث و
همچنین ایراد غیر عادلانه بودن یا تنافی با اصل
تساوی مجازاتها، مرتفع می شود؛ چه وضعیت
مالی مرتکب است که اجراء یا عدم اجراء
جزای نقدی و عادلانه یا غیرعادلانه بودن آنرا،
مشخص می سازد. بدین لحاظ شیوه هائی در
جهت کاستن از معایب این کیفر در نظر گرفته
شده که تا حدی از مضرات آن بکاهد. « کار
بدل از جزای نقدی » به عنوان جایگزینی در
جهت کاستن از یک سری معایب پیش گفته، از
آنجائی که اثربخشی مشابهی با جزای نقدی دارد

مفید به نظر می رسد. همچنین به منظور برقراری تناسب هر چه بیشتر میان مجازات و وضعیت مالی مجرم و در جهت رفع سایر آثار زیانبار معایب جزای نقدی، جنبش سیاست جنائی امروزی (دفاع اجتماعی) رژیم «روزهای جزای نقدی» را بوجود آورد تا به عنوان یک سیستم مطمئن، میزان جزای نقدی با توجه به اوضاع و احوال مرتبط با جرم ارتكابی و میزان درآمد و مخارج و وضعیت مالی محکوم تعیین شود، تا بدین وسیله ضمن حفظ اصل برابری و تساوی

مجازات‌ه‌ل وصول جزای نقدی تسهیل گردد و در نتیجه ایرادهای آن بر طرف شود.

در اینجا ما به توضیح مختصر « کار بدل از جزای نقدی » و رژیم « روزهای جزای نقدی » می پردازیم:

الف- کار بدل از جزای نقدی

تصور می شود قانونگذار با انتخاب جزای نقدی بهترین شیوه و ضمانت اجرا را برای مبارزه با جرائم برگزیده است؛ اما اگر با عدم پرداخت آن مواجه شویم، معایب و عوارض آن گریبانگیر مجرم و اطرافیان او می شود و اگر ضمانت

اجرائی جانشین آن شود که سنخیتی با کیفر برگزیده از سوی قانونگذار (جزای نقدی) نداشته باشد، فلسفه گزینش و انتخاب جزای نقدی منتفی می شود. لذا بازداشت بدل از جزای نقدی می تواند اینگونه باشد. بر این اساس باید به دنبال ضمانت اجرای جانشینی مناسبی گشت که از هر جهت از جمله شدت و اثربخشی، سنخیتی با جزای نقدی داشته باشد. به نظر می رسد کار بدل از جزای نقدی اینگونه است. لذا در برخی از کشورهای جهان، محکومین به جای زندانی شدن (بازداشت بدل از جزای نقدی) به

نفع دولت کار می کنند.^۱ بدین ترتیب که محکوم علیه تحت نظارت زندان به کار اشتغال می ورزد و در برابر آن مزد دریافت می دارد و قسمتی از آن به دولت پرداخت می گردد. که در واقع این روش یک نوع کار بدل از جزای نقدی محسوب می شود.^۲ به عبارت دیگر این دسته از محکومین با نرخ معینی به کارهای عمومی با عام

^۱ - « در سوئیس، به موجب مقررات جزائی، کار می تواند جانشین جریمه نقدی شود، بدین معنی که محکومین به جریمه های نقدی مختارند که دین خود را با انجام کارهای مجانی برای موسسات مربوط به اداره زندان پاک نمایند و یا جریمه نقدی تعیین شده را پردازند. . . » (جاوید صلاحی، کیفرشناسی، انتشارات آرش، ۱۳۵۲، ص ۱۳۴)

^۲ - محمود آخوندی - همان کتاب، ص ۱۲۷

المنفعه گماشته می شوند که این کار اصطلاحاً «بیگاری کیفری - *Corvee Penale*» نامیده می شود.^۱ این کار از نظر کمک به اقتصاد کشور و درآمد محکوم مفید و موثر است. همچنین به بهبود و اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی مجرم و آماده سازی وی برای ورود به اجتماع کمک می کند.

در کشور ما بموجب ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص

^۱ - رنه گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه و تطبیق سید ضیاء الدین نقابت، جلد دوم، ص ۴۸۶

مصلحت نظام برای محکومان به مواد مخدر که قادر به پرداخت جزای نقدی مقرر در حکم نباشند، اقامت در زندانهای باز یا نیمه باز و یا مراکز اشتغال در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که صرف عدم پرداخت جزای نقدی، تبدیل به کار نمی شود. چون ممکن است محکوم علیه زندانی شود و یا به حرفه آموزشی مشغول گردد. متن ماده چنین است: «محکومانی که قادر به پرداخت همه یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند باید به ازای هر هزار تومان ده روز در زندانهای نیمه باز یا باز یا مراکز اشتغال و حرفه آموزشی اقامت نمایند...»

تبدیل جزای نقدی به کار از این نظر که معایب زندان (بازداشت بدل از جزای نقدی) را ندارد و نیز تا حدودی از لحاظ اقتصادی بر خانواده محکوم مفید است، شایسته است در جهت رفع معایب جزای نقدی مورد توجه قرار گیرند.

ب- رژیم روزهای جزای نقدی

تمکن یا عدم تمکن اقتصادی و مالی محکومین به جزای نقدی، نقش بزرگی در تأثیر جزای نقدی بر مرتکبین دارد، بطوری که می توان اذعان داشت به مثابه تعیین یا عدم تعیین مجازات

بر مجرمین است. چنانکه گوئی اجبار به پرداخت
جزای نقدی، هیچ گونه اثری بر مرتکبین ثروتمند
نداشته و احساس نمی کنند که مجازات درباره
آنها اجراء شده است؛ چه، رنج و المی از این
حیث نمی بینند. بر عکس کسانی که فقیرند،
جزای نقدی واقعاً اثر یک مجازات را بر آنها می
گذارد و آنان به شدت متالم می شوند.

این تأثیر یا عدم تأثیر، باعث شده است که به
کارگیری جزای نقدی، اصل برابری مجازاتها را
خدشه دار سازد. از این لحاظ برقراری تناسب
میان مجازات و وضعیت مالی مجرم، بهترین شیوه

به نظر می رسد. بر این اساس «تیرون»^۱ مولف حقوق جزای سوئد پیشنهاد داد به این طریق که میزان جزای نقدی محکوم را برای یک روز با توجه به میزان کلی درآمد محکوم و هزینه های زندگی او معین کرد و به نام یک روز جزای نقدی ای که باید پرداخت شود معلوم گردد».^۲

این روش بعدها «بنام» «روزهای جزای نقدی» یا جریمه های روزانه موجود در کشورهای اروپا (فنلاند، سوئد، دانمارک) و بعداً در آلمان فدرال، اتریش، پرتغال، ایتالیا و بسیاری از کشورهای

^۱ - Thyren

^۲ - عزیزا... ملک اسمعیلی، همان کتاب، ص ۲۰۵ و ۲۰۶

امریکای لاتین و سرانجام در فرانسه (قانون ۱۰ ژوئن ۱۹۸۳...) مورد تقلید واقع شد، می توان اشاره کرد. بدین ترتیب مجازاتهای نقدی، نه بر اساس «پول» بلکه بر حسب «روز» و با توجه به میزان درآمد روزانه محکوم علیه تعیین می گردد.^۱

لذا بر خلاف گذشته که استطاعت و توانائی مالی محکوم یا عدم توانائی وی در تعیین آن نقشی نداشت و معایب گفته شده از آن ناشی می شد. این بار جزای نقدی با ملحوظ نظر قرار دادن درآمد روزانه محکوم علیه تعیین می گردد. بدین

^۱ - مارک آنسل، همان کتاب، ص ۱۰۳

شرح که ابتداء قاضی بر حسب نوع و اهمیت جرم ارتكابی تعداد روزهایی را با توجه به حداقل و حداکثری که قانونگذار در نظر گرفته است، معین می کند. به عنوان مثال اگر قانونگذار در مورد جرائم رانندگی از ده روز تا پنجاه روز تعیین کرده باشد، قاضی می تواند برای کسی که فرضاً در حال مستی رانندگی کرده است چهل رتزر را در نظر بگیرد. آنگاه به تناسب درآمد مجرم مبلغی را تعیین می کند، یعنی از مجموع درآمد روزانه او مقداری را جهت تأمین مخارج مجرم و خانواده اش کنار می گذارد و بقیه را در

تعداد روزهائی که در نظر گرفته ضرب می نماید بدین ترتیب مجموع مبلغی را که مجرم باید بپردازد مشخص می گردد. بدین ترتیب اگر در مورد بزه فوق در آمد روزانه شخص ده هزار ریال باشد و از این مبلغ شش هزار ریالش را برای تأمین مخارج خانواده اش کنار بگذاریم برای چنین جرمی که چهل روز در نظر گرفته شده است، مجرم می بایست مطابق این سیستم یکصد و شصت هزار ریال پرداخت نماید.

در کشور سوئد، مبلغ هر روز جریمه با توجه به وضع درآمد روزانه و مخارج و تعهدات مجرم

به نحوی تعیین می شود که از پس انداز روزانه او تجاوز نکند.^۱

بدین ترتیب با برقراری روزهای جزای نقدی، حتمیت اجرای جزای نقدی، تحقق می یابد؛ چه وصول آن هر چه بهتر تأمین می گردد و علاوه بر آن شیوه مطمئنی جهت برقراری اصل تساوی مجازاتها در خصوص اعمال جزای نقدی است.

با این همه، اگر چه بر این سیستم ایراداتی وارد است؛ اما «تردیدی نیست که آن یکی از جنبه های مثبت سیاست جنائی است که به موجب آن

^۱ - همان، ص ۱۳۰

ضمانت اجراهای کیفری باید با شرایط و اوضاع و احوال و مسائل دنیای امروز قابل انطباق باشد.^۱

فصل سوم: اقسام جزای نقدی

جزای نقدی را به لحاظ شکل آن به جزای نقدی ثابت و نسبی و به لحاظ نوع آن به جزای نقدی اصلی و تکمیلی (تتمیمی) تقسیم نموده اند. شناسائی و تفکیک جزای نقدی از نظر گاه مذکور به فهم بهتر و موقعیت آن در میان سایر

^۱ - مارک آنسل، همان کتاب، ص ۱۰۳

مجازات‌ها و آثار و نتایجی که قانونگذار از این تقسیم بندی در نظر دارد، کمک می کند.

گفتار اول: جزای نقدی ثابت و نسبی

مبنای تقسیم بندی جزای نقدی به ثابت و نسبی ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲ است. هر چند از مدتها قبل و پیش از این تقسیم بندی، به صورت مصداقهای فراوان در قوانین در آن برخورد می کردیم، لب آنکه ذکری از این نامگذاری در قوانین بشود.

این تقسیم بندی یا نامگذاری حسب قانون مذکور یک تقسیم بندی صرف به لحاظ سهولت

در شناخت و یادگیری و یا تفکیک آنها از هم نبوده است. بلکه علاوه بر این متضمن آثاری بوده و آن اینکه، در جزای نقدی نسبی، کیفیات مخففه و مشدده اعمال نمی گردید. در حالی که در جزای نقدی ثابت این کیفیات قابل اعمال بود.^۱

با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ و مجازات اسلامی ۱۳۷۰، گر چه این تقسیم بندی دیده نمی شود و اعمال و یا عدم اعمال کیفیات مخففه و یا مشدده در جزای نقدی ثابت و یا نسبی به سکوت برگزار گردیده یا بهتر

^۱ - تبصره ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲

بگوئیم ثمره این تقسیم بندی بی اعتبار شده است؛ اما از آنجائی که مصداقهای آن در قوانین به وفور یافت می شود و این تقسیم بندی وارد ادبیات حقوقی ما شده است، بررسی آن بی هوده نخواهد بود، خاصه اینکه فلسفه وجودی جزای نقدی نسبی، به نظر اقدامی است در جهت تناسب میان جرم و مجازات.

الف - جزای نقدی ثابت

قانونگذار بعد از تقسیم بندی جزای نقدی ثابت و نسبی در ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی در

سال ۵۲، در بیان جزای نقدی ثابت مقرر می داشت: « مبلغ یا حداقل و اکثر جزای نقدی ثابت در قانون تعیین می شود».

با توجه به ماده مذکور و قوانین موجود، جزای نقدی ثابت به دو گونه است. گاه به صورت مبلغ معین و بدون حداقل و حداکثر تعیین می شود و گاه دارای حداقل و حداکثر است.

اینکه جزای نقدی به صورت مبلغ معین تعیین شود، کمتر در قوانین دیده می شود و بیشتر به صورت حداقل و حداکثر آورده می شود.

در جزای نقدی ثابت به صورت مبلغ معین، جرم ارتكابی و خسارت ناشی از آن مد نظر قانونگذار است. شرایط روحی و روانی و وضعیت مجرم و واقعیت های مربوط به او مورد توجه نمی باشد. لذا مجازات بی آنکه قابلیت انعطاف با اوضاع و احوال ارتكاب جرم و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روحی مرتكب را داشته باشد، تعیین می گردد. این شیوه به نظر درجائی کارآئی می تواند داشته باشد که جزای نقدی توسط مقامات غیر قضائی تعیین می گردد. امروزه تعیین جزای نقدی ثابت به صورت

مبلغ معین برای عمل مجرمانه، با یکی از اهداف مجازاتها که اصلاح مرتکب جرم باشد، منافات دارد. به این جهت در قوانین ما به ندرت از آن استفاده شده، در این زمینه می توان به مجازات تخلفات رانندگی اشاره کرد.

واقعیت های مربوط به کیفرشناسی، این خشونت و بی انعطافی در تعیین مجازات به صورت جزای نقدی ثابت با مبلغ معین را نمی پذیرد. بر این اساس باعث پذیرش جزای نقدی ثابت به صورت حداقل و حداکثر می شود که در آن نه تنها جرم ارتكابی و خسارت ناشی از آن مدنظر است، بلکه اوضاع و احوال و شرایط

ارتکاب جرم و وضعیت روحی و روانی و سابقه مجرم در تعیین آن موثر واقع می شود. علاوه بر آن با توجه به تورم پولی، سیستم حداقل و حداکثر، بهتر از سیستم جزای نقدی ثابت با مبلغ معین، اهداف مجازاتها را برآورده می کند. به عنوان نمونه جزای نقدی ثابت به صورت حداقل و حداکثر به ماده ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ اشاره می شود که در آن ماده آمده است: « صدور چک به صورت تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، وعده دار یا سفید امضاء، ممنوع است. صادر کننده در صورت شکایت ذی نفع

و عدم پرداخت، به مجازات حبس از شش ماه تا ۲ سال و یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

سیاست جنائی قانونگذار قانون مجازات (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب ۱۳۵۷ در زمینه تعیین مجازاتها به جزای نقدی ثابت با حداقل و حداکثر، عنایت ویژه ای مبذول داشته، بطوری که در غالب مواد، این کیفر به وفور یافت می شود.

ب- جزای نقدی نسبی^۱

در قسمت اخیر ماده ۱۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲، در خصوص جزای نقدی نسبی چنین بیان شده است؛ «... جزای نقدی نسبی آن است که میزان آن بر اساس واحد یا مبنای خاص قانونی احتساب می گردد».

همچنانکه ملاحظه می شود در جزای نقدی نسبی، مقنن واحد بهاء یا مبنای محاسبه ای برای

^۱ - به جزای نقدی نسبی « جزای نقدی تناسبی » یا « جزای نقدی متغیر » نیز می گویند. در اینجا با عنایت به عنوان قانونی، جزای نقدی نسبی را برگزیده ایم

احتساب و تعیین مبلغ جزای نقدی که معمولاً ناظر به مقدار و ارزش مال موضوع جرم و یا خسارت وارده است به صورت، نصف، معادل و یا دو چند برابر واحد یا مبنای خاص تعیین می کند. این شیوه طریقی است برای مجازات مجرم بر حسب اهمیت جرم، که قانونگذار بر اهمیت مادی فعل یا اهمیت مقدار وجه تحصیل شده، تعیین کیفر می نماید. لذا مجازات جنبه عینی به خود می گیرد، نه شخصی. بر این اساس تناسب میان جرم و مجازات در نظر گرفته شده و با گستردگی جرم و آثار وخیمی که از آن حاصل شده است، هماهنگ می گردد. برای ارائه نمونه

این مجازات می توان به ماده واحده قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات دولتی مصوب ۷۲/۵/۳ اشاره کرد. طبق این ماده واحده: «... مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از ۲ تا ۵ یال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می گردد». همچنین در ماده یک اصلاحی قانون مرتکبین قاچاق مصوب ۷۳/۱۱/۹ می خوانیم: «... مرتکب به جزای نقدی حداکثر تا ده برابر درآمدی که برای دولت مقرر می باشد محکوم خواهد شد».

در جزای نقدی نسبی این بحث پیش می آید که آیا در صورت ارتکاب جرم از ناحیه شرکاء، جزای نقدی نسبی مقرر را باید میان آنان تقسیم نمود؟ یا اینکه برای احد از شرکاء مجازات فاعل مستقل آن جرم را تعیین کرد؟ به عنوان مثال در ماده ۷ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵، قانونگذار مجازات مرتکب را علاوه بر حبس، پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر کوجودی هنگام ارائه چک به بانک قرار داده است. حال چنانچه یک چهارم تمام وجه چک سه میلیون ریال باشد و صادر کنندگان دو نفر، آیا هر دو می بایست

سه میلیون ریال را مجموعاً پردازند با اینکه
ممکن است هر یک از آنها محکوم به پرداخت
سه میلیون ریال گردند؟

در پاسخ، با توجه به اصول و قواعد حاکم بر
مسئولیت کیفری و با عنایت به ماده ۴۲ قانون
مجازات اسلامی که مجازات شرکاء در جرم را
مجازات فاعل مستقل آن جرم قرار می دهد، می
توان گفت: جزای نقدی شرکاء در جرم به نسبت
کل مبلغ چک تعیین می شود. به عبارت دیگر،
مجازات هر یک از شرکاء مجازات فاعل مستقل
جرم ارتكابی است و هر یک از آنها با توجه به